



قسمت هفتم

# شرح دعای ابوحنزله ثمالی

آیت الله ایزدی نجف آبادی

## خوف و رجاء

### خوف و رجاء

۱- اشاره به دو صفت از صفات بندگان خوب خداوند که یکی صفت خوف از خداوند و دیگری امید به درگاه او و به تعبیر دیگر رغبت و رهبت همچنانکه در قرآن شریف در وصف بندگان خالص مثل حضرت یحیی و زکریا میفرماید: «ویدعوننا رغباً ورهباً». ما را از روی رغبت و ترس یا در حالیکه راغب و ترسناکند، می خوانند (تبیاه آیه ۹۰)، و نیز درباره سحرخیزانی که از بستر خواب پهلوتهی کرده و بعبادت و دعا می پردازند می فرماید: «یدعون ربهم خوفاً وطعماً»: خدای خود را از روی ترس و طمع و امیدواری می خوانند. (سجده آیه ۱۶).

۲- اشاره باینکه خوف و رهبت از کوتاهی و تقصیر خود انسان مایه می گیرد و طمع و رغبت از لطف و کرم خداوند ناشی می شود و ما قبل از اینکه بمطالب دیگر این چند جمله دعا پردازیم بتوضیح مختصری از خوف خداوند و رجاء و امید به درگاهش اشاره می کنیم. قبلاً باید در نظر بگیریم که بفرموده علماء اخلاق که از روایات و آیات استفاده شده است خوف از خداوند اگر از حد گذشت که موجب یأس از رحمت خداوند شد، از بدترین و مهلکترین صفات ذمیه و همچنین اگر رجاء و امیدواری نایجا باشد آنهم ایمنی از مکر الله است که آنهم از مهلکترین صفات ذمیه است.

### معنای خوف

خوف و ترس باصطلاح علما از معانی وجدانی است که هرکسی از حال و در وجدان خود گناه و بیگانه در خود با شرایطی آن را می یابد که می توانیم این معنای وجدانی یعنی ترس را اینطور بیان کنیم: ترس و خوف، نگرانی روحی است که در هنگامیکه انسان پیش بینی پیش آمد امر نامطلوب و رنج آوری می کند و بعضی از نشانه های آن امر نامطلوب وقوع آنرا تأیید می کند انسان آن نگرانی را در خود می یابد. مثلاً بما اطلاع داده شده که در فلان نقطه از مملکت طوفان و سیلاب ضررهای مالی و تلفات جانی فراوانی بیار آورده و خود ما در محل خودمان مثلاً ابرهای تیره و بادهای نسبتاً شدیدی را می یابیم در نتیجه با این امارات و علامات این فکر و دلهره در ما ایجاد می شود که در محل ما هم اینگونه خطرات پیش آید؛ اینگونه فکر و دلهره خوف است چنانچه صاحب جامع السعادات در جلد اول صفحه ۲۰۹ چاپ نجف اشرف می فرماید:

«الخوف هو تألم القلب واحترافه بسبب توقع مكره في الاستقبال»

«ادعوك يا رب راهاً و رغباً راجباً خائفاً اذا رابت مولای  
ذیونی فرزت و اذا رابت کرمک طمعت فان عفوت فخبیر  
راحم وان عذبت فقیر ظالم. حجتی یا الله فی جرأتی علی  
مسئلتک مع اتیانسی ما نکره جودک و کرمک و عدتی فی  
شدتی مع قلّة حیاتی رافتک و رحمتک وقد رجوت ان  
لا تخیب بین ذین و ذین منبتی فحقق رجائی و اسمع دعائی  
یا خیر من دعاه داع و افضل من رجاه راج».

چند مطلب در این فراز از دعا جلب نظر می کند:

مشکوک الوقوع»: ترس، ناراحتی و سوزش دل است در اثر انتظار از نامطلوبی در آینده.

## معنای رجاء

و بدین مناسبت باید رجاء و امیدواری را نیز که مقابل خوف است چنین معنا کنیم که: رجاء حال قلبی و وجدانی است که باز بقول صاحب جامع السعادات: «ارتیاح القلب لانتظار المحبوب». رجاء و امید، راحتی قلبی و سرور دل است بجهت انتظار امر مطلوب. (جامع السعادات جلد ۱ صفحه ۲۴۴).

در ضمن معلوم است پیش بینی پیش آمد نامطلوب که موجب ترس می شود به یکی از دو علت است:

۱- اینکه با یک موجود حادثه آفرین و خطرناک روبرو شده ایم مثلاً جانور درنده ای مثل گرگ بسوی ما می آید یا زیر ساختمان شکسته ای نشسته ایم.

۲- اینکه ما خودمانرا باید با وضع موجود هم آهنگ نموده و وفق دهیم که چنین نکرده ایم مثل اینکه در ساختمان بی عیبی هستیم ولی چشم بسته بی آنکه به اطراف و جلوروی خود نگاه کنیم بدویم؛ در این صورت اگر دیوانه نباشیم انتظار این هست که در اثر برخورد با دیوار یا ستون یا پرت شدن از بلندی مجروح شده یا هلاک شویم. مثال دیگر در شهر یا استان یا مملکتی که زیر پوشش قانون به تمام معنا عادلانه و بسرپرستی مشولین کاملاً عدالت پیشه ای اداره می شود، در چنین وصفی منافق و قانون شکن و ناحق گو باید بترسد که در حقیقت در چنین جوی این خود انسان است که موجب حادثه نامطلوب برای خود و چه بسا برای دیگران هم شده است، بقول سعدی می گوید:

دزد از جلفای شحنه چه سیداد می کشد

سیلی بندست خویش زده بر قفسای خویش

## چرا از خدا بترسیم؟

و نظر به اینکه ذات مقدس پروردگار بحکم عقل و شهادت آیات قرآن شریف، بدخواه و خطرناک برای هیچ موجودی نیست بلکه برای هرکس و همه چیز سلام و سلامت است. همچنانکه در سوره حشر -آیه ۲۲ می فرماید: «هو الله الذی لا اله الا هو السلام المؤمن المهیمن» که برطبق این آیه از اسمها و صفات الهی سلام و مؤمن و مهیمن است که بقول بزرگان اهل تفسیر میفرمایند: «السلام من بلا فیک

بالسلامة والعافیة من غیر شر و المؤمن الذی یعطیک الامن». سلام کسی است که با تو برخورد می کند با سلامتی و عافیت بدون هیچ ضرر و بدی و مؤمن کسی است که بتو ایمنی میدهد؛ بنابراین ترس از خداوند به این نیست که او موجودی خطرناک باشد که از این جهت ما از او برحذر باشیم که میاذا از ناحیه او بما آسیبی برسد، بلکه از آنجائی است که ذات پاکش در مقام فعل قیوم و سرپرست عالم است که قائم عدالت می باشد که در سوره آل عمران چنین آمده: «قائماً بالقسط». یعنی قائم عدالت است.

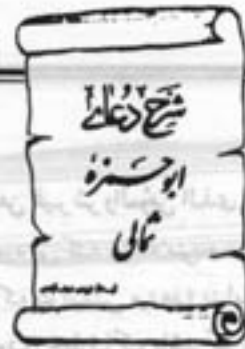
بنابراین ما هستیم که باید خود را با جهان هستی وفق داده و هم آهنگ کنیم. اگر جهان بی صاحب بود و سرپرستی نداشت می توانستیم بقول شاعر بگوئیم: «خوب کردم هر چه خوردم هر چه بردم مفت من!» اما چون چنین نیست و جهان زیر نظر خداوند متعال که قائم بالقسط است اداره می شود، اینجا است که باید با اصطلاح دست به عصا برویم و از مقام خداوندی اندیشناک باشیم و بالتسبیح خواسته های نفسانی خود را کنترل کنیم چنانچه در سوره نازعات می فرماید:

«و اما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى فان الجنة هي العاوی». اما کسیکه از مقام پروردگارش (همان مقام قائماً بالقسط) بترسد و خود را از خواسته های نفسانی باز دارد، بتحقیق که بهشت جایگاه او خواهد بود.

از این بیان نتیجه گرفته می شود که خوف و ترس از خداوند باین معنا است که باید با در نظر گرفتن عدالت خداوندی که جهانرا با چنین صفتی اداره و تدبیر می کند که «بالعدل قامت السموات والارض»، باید عناصر گنجهکار با در نظر گرفتن این حقیقت در مقام چیران گناهان گذشته از فکر گناه و فساد در آینده برکنار باشند والا در جهان این چنین که پشتوانه عادلانه مثل خداوند دارد سیلی گناه خود را خواهند خورد.

در اینجا دومرتبه نظر خوانندگان عزیز را بمشال گذشته که اشخاص ماجراجو در حکومت عادلانه اندیشناک هستند و شعر سعدی جلب می کنیم.

خداوند در سوره جاثیه می فرماید: «ام حسب الذین اجترحوا التیبات ان نجعلهم کالذین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون». آیا کسانی که مرتکب گناه و فساد می شوند چنین می پندارند که ما آنها را مثل کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند در زمان زندگیشان و بعد از مردنشان قرار می دهیم؟ (اگر چنین گمان



و همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۴۱-۱۴۳ می فرماید: «ان الله يتبلى عباده عندا اعمال السیئه بنقص الثمرات وحس البركات واغلاق خزائن الخیرات لیثوب ثائب...».

خداوند مثلاً می سازد بندگانش را در هنگامیکه اعمال بد انجام می دهند به آفت و نقصان میوه های آنها و ممنوع شدن برکتها و بستن درهای خزینه های خیرات که شاید توبه کننده ای توبه کند.

از مجموع اینگونه آیات و روایات استفاده می شود که اولاً حوادث بد و خطرناک برای اشخاص بد و گنهکار با کیفر دنیائی آنها است یا بسا موجب تذکر و توبه آنها می باشد و ثانیاً - حوادث بد برای اشخاص خوب تمحیص و تصفیه آنها است که در سوره آل عمران می فرماید: «لیمحص الله مافی قلوبکم» و ثالثاً - حوادث خوب برای اشخاص خوب پاداش دنیائی آنها است و رابعاً - حوادث خوب برای اشخاص بد استدرج و املاء و کید است.

بنابراین خطراتی که از حوادث جهان به انسان میرسد در حقیقت عکس العمل رفتار خود انسانها است چنانچه در یکی از کلمات قصار امیرالمؤمنین علیه السلام (۸۲) هست که می فرماید: «لا یرجون احد منکم الا ربه ولا یخافن الا ذنبه». هیچکدام از شما امید بی پروردگارش نداشته باشد و از غیر گناهایش نترسد. مولوی می گوید:

ابن جهان کوهت و فعل مانند  
سوی ما آبد ندها را صدا  
۴- اینکه بنده گنهکار گر چه بمقتضای عدل پروردگار کیفر و عذاب است اما بمقتضای عفو خداوندی مورد بخشودگی و گذشت است و نباید تصور شود که خداوند حق ندارد او را ببخشد که این تصور یکی از این جهت نادرست است که معنایش این است که سلطنت خداوند مطلق نیست بلکه محدود است!! و دیگر اینکه خلاف وعده های خداوندی است که می فرماید:

«ان الله یغفر الذنوب جمیعاً» (سوره زمر- آیه ۵۳) و همچنین پیامد بسیار نامطلوبی دارد زیرا بنده گنهکاری که نا امید باشد که بتواند خطاهای خود را جبران کند و از عفو خداوندی استفاده نماید دیگر انگیزه ای در خود نمی بیند که توبه کند و بدیها را جبران کرده خود را بقافله نیکوکاران برساند و منطلق او این می شود که: «آب که از سر گذشت چه یک نی چه صد نی» و شاید اینگونه اشخاص، دیگر از هیچگونه بدی دست برندارند و خطرناکترین افراد برای جامعه خواهند بود.

ادامه دارد

کنند) بد قضاوتی می کنند.  
در اینجا سؤالی که ممکن است پیش آید آیا خوف انبیاء و اولیاء معصومین از خداوند چه معنا دارد که جواب و تحقیق این مطلب را بجای دیگر موقوف می کنیم.

### علت گرفتاری ها و بلاها

۳- نظر باینکه در مطلب دوم گفته شد که خداوند موجود خطرناکی نیست که بنده او از این جهت از او بترسد ولیکن موجودات دیگر ممکن است برای انسان خطرناک باشند، ممکن است که گفته شود چون از نقطه نظر توحید همه موجودات و آثار آنها منتهی بخداوند میشود پس خسار و نافع، سودمند و زیانبار، مبتلی و معافی، مبتلا کننده و معاف دارنده او است از این جهت ترس از خداوند باشد که از ناحیه موجودات خطرناک بما خطر و زیانی وارد کند.

جواب این سوال از یک جهت مربوط به مسئله شرور است که در مسئله توحید در رد شبهه ثنویه که برای جهان دو مبدأ (یکی مبدأ خیرات بنام یزدان و دیگری مبدأ شرور بنام اهریمن) معتقدند ذکر شده که شر امر عدمی و نسبی است و معمول بالعرض است که این جهت فعلاً مورد بحث نیست.

جهت دیگر اینکه چنانچه از آیات قرآن استفاده می شود بسیاری از گرفتاریها و بدیها در زندگی دامنگیر افراد و جامعه ها میشود عکس العمل بدیها و بی تقوائی های آنها است چنانچه در سوره اعراف- آیه ۹۶ می فرماید:

«ولوان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض ولكن کذبوا فاخذناهم بما كانوا یکسبون».

و اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می آوردند و تقوی پیشه می کردند البته درهای برکات از آسمان و زمین را بروی آنها باز می کردیم ولیکن تکذیب کردند پس ما هم آنها را با اعمالشان مؤاخذه کردیم.